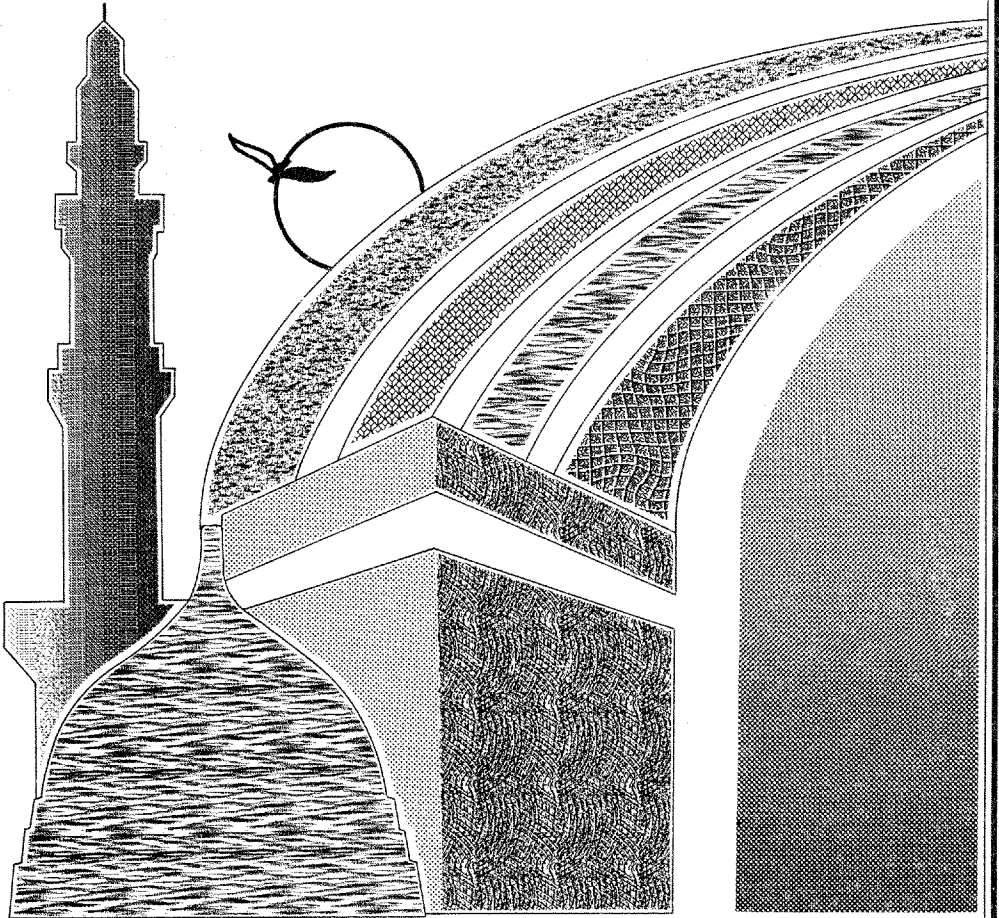
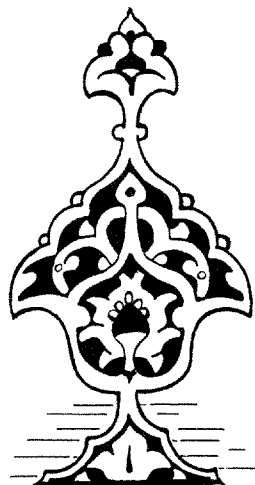


# ازنگا سے دیگر



# دیداری از «رابطة العالم الاسلامی»



سید محمدباقر حجتی

سرگردانی افراد ناآشنا در وصول به محل مورد نظر می‌گشت، در معیت آقای دکتر طالقانی - از این نظر - با مشکلی مواجه نشدیم؛ چون ایشان را از قبل، سابقه‌ای با این مؤسسه بود. مؤسسه‌ای بود بس بزرگتر از حدّ نیاز که مسجدی بسیار وسیع (با سقفی بلند و بر فرازیده، با یک مأذنه مرتفع) را در میان داشت.

اما چون ورود ما به این مؤسسه، نزدیک وقت نماز ظهر بود، دوستان وضو ساختند؛ لکن چون مرا پیش ساخته وضویی بود، پیش از آنها به مسجد درآمدم. دو - سه صف از مومنین در انتظار به پاخاستن دکتر عبدالله عبید (دبیرکل رابطة العالم الاسلامی) برای اقامه نماز ظهر به سر می‌بردند که من

در مکه مکرمه، روز یکشنبه، دوم ذی‌الحجه ۱۴۱۶ - ۱۳۷۵/۱/۲ ه.ش، پس از تأخیری که پیش آمد (!)، حدود ساعت یازده و نیم صبح، همراه دو تن از دوستان بزرگوار (آقایان دکتر عبدالوهاب طالقانی و حجة الاسلام والمسلمین رسول جعفریان) عازم مؤسسه «رابطة العالم الاسلامی» شدیم؛ مؤسسه باز و آزادی که دربان و نگهبان بر آستانه ورودی نداشت و لذا مرکب ما بدون نیاز به اذن و رخصت ورود، به محوطه داخلی آن درآمد و در جایگاهی از فضای بی‌سقف آن - برای تفتیده شدن - جا خوش کرد.

از این سو به آن سو جابه‌جا می‌شدیم و علی‌رغم گستره گسترده‌ای که موجب



آن قسمت دیدار داشتیم که «سید عنایت‌الله شاه»، نام داشت و می‌گفت: من سرپرستی ترجمه‌های فارسی و اردو و پشتوی قرآن کریم را به عهده دارم. ترجمه‌های اردو و پشتوی قرآن، چاپ و منتشر شده است؛ ولی ترجمه فارسی قرآن هنوز به چاپ نرسیده است؛ با این که متجاوز از یک سال قبل نوید چاپ و انتشار آن را داده بودند.

از آقای سید عنایت‌الله سؤال شد: ترجمه فارسی قرآن کریم به زبان فارسی ایرانی است یا آنکه به زبان فارسی دری (افغانی)؟ پس از تأمل و درنگ، پاسخ داد: به فارسی افغانی، که این کار به صورت جمعی و گروهی، متشکل از کارشناسان در زبان و تفسیر قرآن انجام گرفته است.

پرسیدم برای این که برگردان قرآن از لغزش و خطاهای غیر قابل گذشت مصون باشد، از چه کتابهایی در تفسیر بهره جستید؟ گویا پاسخ قاطع و آماده و مشخصی در اختیار نداشت؛ لذا بعد از دوبار پرسش، جواب داد: از تفسیرهای ابن‌کثیر [یعنی: تفسیرالقرآن العظیم] و نیز تفسیر دیگری به همین نام، و تفسیر آلوسی [یعنی: روح‌المعانی فی تفسیر القرآن والسبع المثانی، سید محمود آلوسی بغدادی] و چند

فرصت را غنیمت شمرده، از دو مصحفی که در میان رحلی در کنار ستونی از مسجد، در انتظار قاری، چهره برهم نهاده بودند، یکی را برداشتم و با گشودن آن، سوره حجر را بر دامنه صفحه چپ یافتیم و به تلاوت این سوره آغاز کردم و بدان ادامه می‌دادم که... تلاوت پایانه این سوره، با آغاز نماز جماعت ظهر همزمان گشت.

در صف چهارم، میان چند تن از نمازگزاران رده شدم و... نماز به پایان رسید. خواستیم ملاقاتی با امام جماعت یادشده داشته باشیم که باید نامه‌ای را درباره اوضاع لبنان بدو تسلیم می‌نمودم؛ لکن دوستان بر آن بودند که قبلاً چنین نامه‌ای برای او ارسال شده و بدین کار نیازی نیست و علاوه بر این، فرصت ما نیز تا تعطیل شدن این مؤسسه، کوتاه است.

بعد از نماز، وارد سالن نسبتاً عریض و طولیلی شدیم که قبل از ورود ما، کنفرانسی در آن به پایان رسیده بود و خبرنگاری از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (به نام آقای بابان) را دیدیم که برای کسب اخبار در آنجا حضور به هم رسانده بود.

### بخش ترجمه قرآن

در بخش ترجمه قرآن، تنها با رئیس

تفسیر دیگر که احتمالاً از حضور ذهن درباره آنها برخوردار نبود.

خدای داند ترجمه فارسی قرآن کریم به سرپرستی جناب سید عنایت‌الله شاه - که از مردم پاکستان بوده و زبان فارسی را نمی‌دانسته است - چه شکل و شمائلی را از محتوای قرآن ترسیم می‌کند. گفتیم: چرا در این کار، از ترجمه دهلوی استفاده نکردید (ترجمه‌ای که بارها چاپ و منتشر شده و از بهترین و صحیح‌ترین ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی در جهان اسلام به شمار است و علاوه بر این، برای فارسی‌زبانان همه دیار، اعم از هندوستان و پاکستان و افغانستان و جمهوری اسلامی ایران مأنوس است)؟ چرا از این ترجمه در این کار استفاده نکردید و نیز از ترجمه‌های فارسی قرآن که کارشناسانی کارآمد در زبانشناسی و تفسیر در جمهوری اسلامی ایران چاپ و منتشر کرده‌اند؟ چرا حدود بیست ترجمه فارسی قرآن را که طی دهه‌های اخیر در جمهوری اسلامی ایران فراهم آمده و به صورت بدیعی سامان یافته، در امر ترجمه قرآن به زبان فارسی در مؤسسه «رابطه العالم الاسلامی» به عنوان منابع مطمئن در مد نظر قرار ندادید؟ لحن پاسخ ایشان به این سؤال، بیانگر این حقیقت تلخ و

غیرقابل اغماض بود که نه تنها از نهضت و رواجی که پس از انقلاب شکوهمند اسلامی پدید آمده سخت در بی‌خبری به سر می‌برد، بلکه از ترجمه دهلوی - که از هم‌میهنان او است - نیز هیچ‌گونه اطلاعی ندارد و گویا نام «ترجمه دهلوی» به گوش او نرسیده است؛ و چنین فردی را که از زبان فارسی و شاید زبانهای پشتو و اردو، بیگانه می‌نمود، به سرپرستی ترجمه‌های قرآن به زبانهای یادشده گمارده‌اند!

معترض شد که چرا در جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر در امر ترجمه قرآن، فردی عمل کرده‌اند و به صورت جمعی و گروهی به این کار روی نمی‌آورند و کارهای فردی حامل چه فوائد و عوایدی است؟ پاسخ دادیم: رقابت در امر ترجمه قرآن کریم، به بهینه‌سازی این کار مدد می‌رساند و سرانجام با ترجمه‌های مطمئن‌تری بیش از پیش بارور می‌گردد. گذشته از آن، کار گروهی و جمعی در مسأله ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی، در جمهوری اسلامی ایران نیز در چند مرکز جریان دارد.

روی میز تحریر آقای سید عنایت‌الله شاه، قرآنی در قطع بیاضی بزرگ (تقریباً دو برابر قطع متعارف) وجود داشت که در هر

اعجاز قرآن کریم - جز وجه علمی اعجاز - تحقیقاتی صورت نمی‌گیرد؟ پاسخ دادند: فعلاً در این بُعد پژوهشهایی انجام می‌گیرد که تاکنون به بحث و کاوش در اعجاز علمی قرآن کریم محدود بوده که باید اعجاز علمی در «سنت» را نیز بدان افزود. و یادآوری کردند که تا حال، هیچ‌ده اثر در موضوع اعجاز علمی قرآن پدید آورده‌اند که از سوی «هیئة الإعجاز العلمي في القرآن والسنة» منتشر شده است:

۱ - نوار ویدئویی تحت عنوان «إنه الحق؛ قرآن کریم حق است» به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسوی و اردو.

۲ - کتاب «إنه الحق» که مکتوبی از

همان نوار یادشده به زبان عربی است.

۳ - کتاب «علم الأجنة في ضوء القرآن

والسنة؛ جنین‌شناسی در پرتو قرآن و حدیث» به زبان عربی.

۴ - کتاب «المصّب والحواجز بین

البحار في القرآن الکریم؛ مصب و موانع به هم آمیختن آبهای میان دریاها از نظر قرآن کریم» به زبان عربی.

۵ - کتاب «تأسیل الإعجاز العلمي في

القرآن والسنة؛ ارائه بنیاد و اساس اعجاز علمی در قرآن و حدیث و اصالت آن در این دو منبع دینی» به زبان عربی.

صفحة آن، متن قرآن کریم و ترجمه آلمانی آن در کنار هم چاپ شده بود.

نکته‌ای که در این برخورد - که گرم و صمیمانه بود - نظرم را به خود جلب کرد، این بود که گذشته از شتابزدگی و سراسیمگی مشهود و ملموسی که از یک سرپرست انتظار نمی‌رفت، کمبود و نارسایی‌هایی در گفتارش راجع به کاری که سرپرستی آن را به عهده داشت، او را در سطحی نازل‌تر از چنین پایگاهی وانمود می‌ساخت و چنان می‌نمود که در خور آن نبوده است که نظارت بر چنین مهمی را وام گیرد.

## بخش تحقیقات «اعجاز علمی قرآن»

سید عنایت‌الله شاه را به عنایت الهی سپرده، او را وداع گفتیم و به سوی بخش مربوط به «اعجاز علمی قرآن» راه درازی را در سالن پشت سر نهادیم، و نزد آقای عبدالعزیز المنصور (سرپرست این بخش) حضور به هم رساندیم. ایشان صمیمانه ورود ما را تهنیت گفته، پذیرای ما شدند و شاید گفتگوی با چند تن از مراجعان را قطع کردند. پس از معارفه کوتاه، از ایشان سؤال کردیم آیا در این مؤسسه درباره وجوه دیگر

- ۶- کتاب «مشاريع البحوث الطبية؛ طرحهای تحقیقات پزشکی» به زبان عربی.
- ۷- کتاب «الأهداف والوسائل: اهداف و طرق و روشهای (مربوط به اعجاز علمی قرآن و حدیث)» به زبان عربی.
- ۸- کتاب «الإعجاز العلمي فی الناصية: اعجاز علمی در پیشانی انسان» به زبان عربی.
- ۹- «أبحاث العدوی والطب الوقائی فی الإسلام: کاوشهایی مربوط به مسری بودن برخی بیماریها و پیشگیری در اسلام» به زبان عربی.
- ۱۰- «أوجه الإعجاز العلمي في عالم النحل، اللبن و ترکیبه الکیمیایی، الحبة السوداء؛ چهره‌های اعجاز علمی در جهان زنبور عسل، شیر و ترکیب و فرمول شیمیایی آن، سیاه دانه» به زبان عربی.
- ۱۱- جنین‌شناسی در پرتو قرآن و حدیث، به زبان انگلیسی.
- ۱۲- مفهوم ژئولوژیک و جغرافیایی کوهها در قرآن و حدیث، به زبان انگلیسی.
- ۱۳- طرحهای تحقیقات و کاوشهای پزشکی، به زبان انگلیسی.
- ۱۴- «اعجاز القرآن الکریم فی وصف أنواع (الرياح - السحاب - المطر)؛ اعجاز قرآن کریم در وصف و گزارش انواع (بادها، ابرها، و باران)».
- ۱۵- «الصيام معجزة علمية؛ روزه یا معجزة علمی».
- ۱۶- «الخمير داء و ليس بدواء؛ خمر و مسکرات، درد و بیماری زاست، و درمان‌کننده نیست».
- ۱۷- «الإعجاز العلمي فی آیات السمع والبصر فی القرآن الکریم: اعجاز علمی در آیات مربوط به حس شنوایی و بینایی در قرآن کریم».
- ۱۸- «تأملات فی الإعجاز العلمي فی القرآن والسنة حول الإنسان فی الارتفاعات العالية بالالم، بین الطب والقرآن: درنگها و دقتهایی در اعجاز علمی قرآن و حدیث، پیرامون انسان در ارتفاعات بلند، و بررسی احساس درد از رهگذر حس لامسه، به منظور مقایسه میان علم پزشکی و قرآن کریم».
- چنانکه ملاحظه می‌کنیم، نمی‌توان گفت محصول کوششها و تحقیقات بخش مربوط به اعجاز علمی قرآن و حدیث به هیچ‌ده اثر می‌رسد؛ بلکه شمار ۲۰۱، مجموعاً یک اثر می‌باشد که اولی با ویدئو به زبانهای مختلف ضبط شده و دومی محتوای مکتوب اولی است. و نیز شماره ۳



و استاد محمد ابراهیم سمره، و دکتر درکار برسا داراو، مساهم و شریک یکدیگر بوده‌اند.

در مقدمهٔ این کتابچه، همان سخنی که مفسرانِ قرآن کریم در تفسیر آیهٔ ۵۳ سورة الفرقان از دیرباز یاد کرده و می‌کنند، کمابیش تکرار شده است؛ پس از بسمله و حمدله، می‌گوید: «قرآن کریم که بیش از ۱۴۰۰ سال پیش نازل شد، حاوی پاره‌ای از اطلاعاتِ مربوط به پدیده‌های دریایی است که جز در زمان معاصر، آن هم به مدد وسائل پیشرفته، کسب این اطلاعات امکان‌پذیر نمی‌نمود؛ در آیه: ﴿و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج و جعل بینهما برزخاً و حجراً محجوراً﴾<sup>۱</sup> وصف و گزارشی دربارهٔ نظام و سازمان «مصّب»، و توضیحی راجع به امتزاج و درهم آمیختن آب شیرین و گوارا با آب گس و تلخ و شور دریا و بیان وجود حاجز و مانعی میان آب شیرین و دریا جلب‌نظر می‌کند و این که منطقهٔ امتزاج، سدها و بندهایی [نامرئی] در برابر آبی که بر دریا وارد می‌شود و یا از آن خارج می‌شود، وجود دارد. علم جدید خواص و ویژگی‌های این مصب را مبرهن و مستدل ساخته و دلیل آن را کشف کرده است؛

و ۱۱ نیز یک اثر را می‌پردازد که سومی به زبان عربی و یازدهمی به زبان انگلیسی است، و همچنین شماره ۶ و ۱۳ را باید یک اثر برشمرد که ششمی به زبان عربی و سیزدهمی به زبان انگلیسی می‌باشد و باید گفت شمار این آثار از رقم پانزده فراتر نمی‌رود؛ علاوه بر آنکه - به قرینهٔ یکی از این آثار که به ما اهدا کردند و از هشتاد و هشت صفحه در قطع جیبی تجاوز نمی‌کند - باید سایر آثارِ مربوط به اعجاز علمی قرآن و سنت، بدین سان کماً و کیفاً در همین سطح نازل باشد. کتابچه جیبی‌یی که به ما اهدا کردند، تحت عنوان «من أوجه الإعجاز العلمي للقرآن الکریم فی عالم البحار» تدوین شده و مجموع آن اگر در قطع وزیری و حروف عادی و متوسط به چاپ می‌رسید، از ده پانزده صفحه فراتر نمی‌رفت. حدود چهارده صفحهٔ آن را تصاویری اشغال کرده و یا عنوان بحث در پاره‌ای از آنها منعکس شده که روی هم رفته چنگی به دل نمی‌زند و نمی‌دانم، شاید مفسرانی غواص(۱) و دانشمندانی ژرف‌نگر و کارآمد و دریاشناسانی با بینش، قعر دریاها و مسائل مربوط به امواج، چنین کتاب سترگی را فراهم آورده‌اند؟! در تدوین این «کُتیب» شیخ عبدالمجید بن عزیز زنجانی،

چنانکه علوم زیست‌شناسی جدید به مدد براهین علمی ثابت کرده است که این منطقه، منطقه‌ای است محصور که در آن جانورانی ویژه چنین محیطی زندگانی می‌کنند [و حصار و بارهٔ میان این دو آب، همان جانوران دیوارسانی هستند که مانع طغیان یکی از آن دو بر دیگری می‌گردند؛ نه آب شیرین آب تلخ و شور را شیرین می‌سازد، و نه آب تلخ و شور، آب شیرین را به سان خود تلخ و شور می‌گرداند].

اضافه بر بیان این موانع [مشکل از جانورانی ذره‌بینی] میان آب شیرین رودخانه‌ها و آب تلخ و شور دریاها، قرآن کریم وجود موانعی همانند موانع یادشده را در خود دریاها خاطر نشان می‌سازد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْخٌ لَّا يَبْغِيَانِ﴾<sup>۲</sup>

این حواجز و موانع، شبیه و همانند مرزهای آبی میان آبهای اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه، و میان دریای سرخ و خلیج عدن و در جایگاه‌های دیگری از دریا‌های جهان می‌باشد». (ص ۲ و ۳ کتاب «من أوجه الإعجاز العلمي للقران الكريم في عالم البحار»)

در دوران اخیر - پس از رویداد انقلاب صنعتی در انگلستان و فرا رسیدن عصر رنسانس در اروپا و سپری‌گشتن زندگانی قرون وسطایی دیار فرنگ و اطلاع مسلمین از پیشرفتهای خیره‌کننده آنها - علمای اسلامی احساس کردند که با مشاهدهٔ این پیشرفتهای و اطلاع مسلمانان از آنها تدریجاً ارزش اسلام و قرآن کم‌رنگ می‌گردد و برای این که جاذبه‌هایی در قرآن به هم رسانند، شماری از مفسرین، با اهدافی معصومانه - به صورت آکادمیک - به تفسیر علمی قرآن روی آوردند که قهراً

معايير علمی روز، مفردات و ترکیب چنین آیاتی را در ترازوی مقایسه و سنجش می‌کشد، و چنان که در فهرست آثار «هیئة الإعجاز العلمي في القرآن والسنة» دیدیم، بحثهای موضعی دربارهٔ اعجاز علمی قرآن، در این آثار مطرح شده است.

کاوش در بُعد علمی قرآن، دستاویز دیرینه‌ای در روایات صدر اسلام دارد؛ چنانکه ابن مسعود می‌گفت: «ففي القرآن علوم الأولین و الآخیرین لمن تدبّر فيه». و کمابیش در تفاسیر قرآنی، این بعد مطرح بوده است و سرانجام، ابوحامد غزالی با طرحی که ارائه کرد، سراسر قرآن کریم را سرشار از علوم نشان داد.

مجموع این کتابچه، در پیرامون آیاتی بدین مضمون، بحث را می‌گستراند و با



دل آزار گرداند.

قرآن کریم از همان آغاز نزولش، هم‌آوازی و دمسازی و همدمی خود را با علم و دانش، در طلیعة نخستین آوای الهی خود اعلام کرده و راه ناسازگاری با علم را در پیش نگرفته و دنبال نکرده است، و بلکه هیچ نعمتی را بالاتر از علم نشناسانده و خشیت و خدا‌آشنایی را ویژه علما دانسته، و نزولش را با چاشنی علم آغاز کرده، و در خلال نزولش نه تنها هیچگاه از علم روی برنرفته، بلکه با نزول آیه «واتقوا يوماً ترجعون فيه الى الله...» فرجام هر کوششی را که شایسته احراز عنوان علم باشد، عبارت از بازگشت به خدا می‌داند (که بازده بایسته و شایسته هر علمی است).

نگارنده را مقالاتی است که در لابلاي آن، در این مقوله، «قیل و قالی» نسبتاً مبسوط است؛ مقالاتی که شاید و شاید در مجله ارزشمند و گرانقدر «بینات» به چاپ رسد، لذا در این مجال، عنان بنان را از توسنی باز می‌دارم.

باری، اهدافی که «هیئة الإعجاز العلمی فی القرآن والسنة» آنها را پی می‌گیرد، عبارتند از:

۱ - وضع قواعد و ضوابط و روشها و راه و رسم کاوش علمی که اجتهادها و

تفسیرشان با کهنه‌شدن علوم وقت، در هاضمة مرور زمان بلعیده شد؛ و لذا هم اکنون مسلمین چنین تفسیرهایی را به دست فراموشی واسپرده‌اند.

نگارنده، انگیزه «رابطة العالم الاسلامی» در گزین کردن اعجاز علمی قرآن از میان وجوه دیگر اعجاز قرآن را درست باز نیافته است. آیا محدود ساختن عنایت و اهتمام به قرآن در بیان اعجاز علمی قرآن و بسپج کردن نیروهای انسانی و توان اقتصادی در جهت وانمود ساختن ابعاد علمی قرآن، گره از کار می‌گشاید؟ یا چنین طرحها و تحقیقات - باتوجه به تطوّر علوم و دگرگونیهای شگرفی که در چشم‌اندازهای علمی پدید می‌آید - به سرنوشت تفاسیری دچار می‌آیند که با پیشرفت علوم به موربانه گرفتار شدند و کهنگی، فراموشی آنها را به ارمغان آورده است؛ سرنوشتی که هرگز دامنگیر قرآن کریم نگشته و آن را از انظار به دور نمی‌افکند؛ قرآنی که حدیث و نو و بلکه «أحسن الحدیث» در هر عصر و زمانه و روزگاران بوده و هست، و دستگاه گوارش مرور اعصار و قرون و تطوّر علوم نمی‌تواند آنرا در کام خود فرو برد و چشم‌اندازهای دیده‌نواز و دلربا و بخردانه‌اش را پژمرده و

استنباطها را در جهت بیان اعجاز علمی قرآن و حدیث سامان می‌دهد.

۲ - تربیت و آفرینش نسلی از علما و محققان برای بررسی مسائل علمی و حقایق جهان هستی در پرتو مطالبی که در قرآن و حدیث آمده است.

۳ - رنگ‌آمیزی علوم مربوط به عالم وجود با صبغه ایمانی، و نفوذ بخشیدن مضامین بحث‌ها و کاوشهای علمی موثق در روشهای تعلیم (در مؤسسات علمی و مقاطع مختلف تحصیلی).

۴ - کشف و پرده‌برداری از چهره معانی دقیق آیات کریمه و احادیث نبوی - که به نوعی با علوم پیوند می‌خورند - در پرتو اکتشافات جدید علمی و وجوه دلالت لغوی و مقاصد شریعت اسلامی، عاری از هرگونه تکلف و تعسف و تحمیل بر آیات و روایات!

۵ - همیاری و امداد و اعاض و دعوت کنندگان به اسلام در جهان، به کمک بحثها و تحقیقات موثق تا بتوانند به تنهایی و یا در مؤسسه‌های مربوط، فراخور خود از آنها بهره جویند.

۶ - نشر این بحث و بررسی‌ها در میان مردم، به صورتی که با سطح علمی و فرهنگی آنها متناسب باشد و نیز ترجمه

آنها به زبانهای مسلمین و لغات زنده در جهان.

در بند چهارم این اهداف، نمی‌دانیم چه مقاصدی از شریعت اسلامی در مدنظر می‌باشد؛ ظاهراً مقاصدی همسو با هدف نهایی این مؤسسه مطرح است و همه مکاتب و مذاهب - جز وهابیت - در این اهداف مرحله به مرحله، بیگانه از توحید و احیاناً شرک‌آلود وانمود می‌گردند.

آقای عبدالعزیز منصور، درباره تفسیر علمی، برای ما - که اهل بخیه بودیم - به توضیح واضحات پرداخت و راجع به: ﴿او کظلمات فی بحر لجمی یغشاها موج من فوقه سحاب ظلّما بعضها فوق بعض إذا أخرج یده لم یکد یراها...﴾<sup>۳</sup> با هیجان داد سخن سر می‌داد؛ گویا نه در کلاس درس، بلکه پشت میز کارش خطابه می‌خواند و شاید درصدد بود تا دامنه سخن را به درازایی نه در خور مجال بکشاند که من در اثنای آن، میان حرفهایش دویدم و گفتم با توجه به اینکه مضامین و محتوای قرآن کریم، ثابت و خلل‌ناپذیر است و دگرگونی بدان راه ندارد، و علوم همواره و به گونه‌ای متساعد در حال تطوّر و پیشرفت‌اند، آیا با عنایت به این نکته، تحقیق در اعجاز علمی را تأیید می‌کنید؟ پاسخ داد که: در مورد

فرصت، زمان ارزشمندی (هر چند کوتاه) را از ما ربود. در این کتاب، چندی از آیات به چشم می‌خورد که به هیچ وجه با ادعیه قرآن کریم ارتباط نداشت؛ لذا مؤلف در برابر این سؤال ما پاسخی در اختیار نداشت و افزون بر این، رفتار و گفتارش برای ما چنان پریشان می‌نمود که سعی کردیم از چنگ او بگریزیم.

آنچه از «المجمع الفقهي الاسلامي» موسسه رابطه العالم الإسلامي دستگیرمان شد، یکی مصوبات دوره چهاردهم آن (مورخ ۱۴۱۶ هـ. ق.) بود که به امضای اکثر اعضای مجمع رسیده بود و در بحث و مناقشه مربوط به آنها تنی چند از علمای دیگر نیز سهیم بوده‌اند (که نام دکتر وهبه مصطفی رَحِیْلِي در رأس آنها جلب نظر می‌کرد). مصوبات و یا قطعنامه یادشده به موضوعاتی که از این پس گزارش می‌شود مربوط می‌شد:

- ۱ - مسئولیت اولیا و اوصیا نسبت به زیردستان و مراقبت از آنها و تصرفات کسانی که تحت ولایت و مراقبت آنان به سر می‌برند.
- ۲ - مسئولیت راجع به آسیب‌های مربوط به حیوان و بنا و هر چیزی که حُرّاست آن عنایت ویژه‌ای را

ثابتات علمی قابل تأیید است. (در حالی که می‌دانیم ثابتاتی در علوم وجود ندارد و علم ما نیز حتی در مورد محسوسات، نسبی است و آنچه در قرآن کریم آمده، شایان احراز عنوان علم مطلق است و باید آن را خط نهایی آگاهی دانست که تا ابد بشر هر چند که در علوم پیش‌تازد؛ نمی‌تواند به چنین علمی دست یازد.

از من سؤال کرد، بحث درباره اعجاز علمی قرآن مورد تأییدتان نیست؟ من به خاطر اینکه اطالۀ سخن، از هدفمان (که کسب اطلاعات متنوع درباره مؤسسه رابطه العالم الإسلامي و علمای شاغل در آن بود) بازمانیم، به مجامله پناه آوردم و در مورد ثابتات (!) بدو پاسخ مثبت دادم و پس از دریافت کتاب «من أوجه الإعجاز العلمي للقرآن الكريم في عالم البحار» با او تودیع کردیم و به سراغ «المجمع الفقهي الإسلامي» رفتیم.

### المجمع الفقهي الإسلامي

در این مجمع، به علت ضیق مجال، چندان طرفی نبستیم و به شخصی به نام مختار محمد عیسی برخورداریم که کتابی در «ادعیه قرآن کریم» سامان داده بود و تورق و خواندن بخشی از آن، با توجه به قحطی

درخواست می‌کند.

۳ - حکم فقهی محل سعی [میان صفا و مروه] پس از توسعه، مبنی بر این که احکام سابق در آن جاری است، و یا حکم آن همان حکم مربوط به مسجد است.

۴ - حکم فقهی خرید سهام شرکتها و بانکها در صورتی که در پاره‌ای از معاملات آنها ربا و بهره وجود داشته باشد.

۵ - آیا سود و بهره صاحب مال در شرکت مضاربه‌ای، به تعداد معینی از مال محدود است.

۶ - مقدار مسئولیت مضارب در خسارتهای وارد شده.

۷ - بررسی بلیت‌های بخت‌آزمایی که در این نشستها در زمره قمار معرفی شده است.

۸ - ضوابط کشف عورت در اثنای معاینه و درمان بیمار.

اعضای این نشست در دوره چهاردهم (از شعبان ۱۴۱۵) عبارتند از: عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، رئیس «المجمع الفقهی الاسلامی»؛ دکتر احمد محمد علی، نائب رئیس مجمع یاد شده؛ محمد بن جبیر؛ عبدالله عبدالرحمن بسام؛ عبدالرحمن حمزه مرزوقی؛ دکتر بکر عبدالله ابو زید؛ دکتر مصطفی احمد الزرقاء؛ دکتر صالح بن

فوزان بن عبدالله فوزان؛ محمد بن عبدالله سبیل؛ دکتر رشید راغب قبّانی؛ محمد سالم عدود؛ دکتر یوسف قرضاوی؛ محمد حبیب بن خوجه؛ مبروک مسعود عوادی؛ دکتر احمد فهمی ابوسنة؛ ابوالحسن علی حسنی ندوی؛ محمد شاذلی نیفر.

مدیر و منشی مجمع، دکتر احمد محمد مقری است.

این مصوبات فقهی، به سال ۱۴۱۵ ه.ق. مربوط است که در سال ۱۴۱۶ ه.ق. چاپ و منتشر شده است.

دفتر دیگری که در اختیار ما قرار گرفت و آن را به ما اهدا کردند شماره نهم مجله «المجمع الفقهی الاسلامی» (سال هفتم) بود که مربوط به سال ۱۴۱۶ ه.ق. است و هر نیم سال یک مجلد از آن را «مجمع الفقه الاسلامی» مؤسسه رابطه العالم الاسلامی چاپ و منتشر می‌سازد. در این مجله، مقالاتی مربوط به مصوبات یاد شده آمده، و مطالب دیگری نیز در آن جلب نظر می‌کند.

سه دیگر، شماره ۳۷۴ مجله «الرابطه» (شماره ویژه حج) بود.

چهارمی، شماره ۱۲ مجله «The Muslim Journal» بود که آن نیز شماره ویژه حج به زبان انگلیسی است.

طرفدار بی‌ریای آن و فردی با شهامت و پارسا و متعبد بود. بامدادان هر روز در هتل «الأوراسی» الجزائر، پس از اقامه نماز، با یکی از شرکت‌کنندگان در این کنفرانس که هم سن و سال ایشان می‌نمود، تا لحظاتی که برای صرف صبحانه در سالن غذاخوری باید حضور یافت، پیوسته به تلاوت قرآن کریم با آمد و شد میان درازای راهرو هتل مشغول بود.

او از حفظ قرآن را در حال راه رفتن می‌خواند و دوست همراهش از قرائت او پیروی می‌کرد، و تا وقتی که در هتل به سر می‌بردیم، همه ساعات بامدادان را تا چندی پس از طلوع آفتاب، با قرائت قرآن پشت سر می‌نهاد و از ذوق و بیان دلچسب و شیوایی برخوردار بود و محتوای سخنانش در تعقیب سخنرانان دیگر بس پرمحتوا به نظر می‌رسید. با این که به خاطر قرارداد «کمپ دیوید» به حالت قهر به الجزائر کوچید و در قسطنطنیه الجزائر مقیم گشته بود، یکی از روزها - که شاذلی بن جدید در جلسه عمومی کنفرانس حضور داشت - با کمال کدورت و با آمیزه‌ای از شهامت، به مناسبتی، ضمن تعقیب سخنرانی یکی از سخنرانان، با اشاره و نگاه به شاذلی بن جدید گفت:

و پنجمی، کتابچه «منسک النساء» از محیی‌الدین ابی‌زکریا نووی است که با تحقیق و تعلیق اداره مجمع الفقهی الاسلامی و حواشی بن‌باز در ۲۴ صفحه به چاپ رسیده است.

به هنگام ورود به محل کنفرانس، روی میز پذیرش، هفته‌نامه‌ای را دریافت کردیم که هر هفته توسط اداره مطبوعات و انتشارات مؤسسه رابطة العالم الإسلامی، تحت عنوان «العالم الإسلامی» به سان روزنامه چاپ و منتشر می‌شود.

در این هفته‌نامه، با دیدن عنوان «الجامعة الإسلامية العالمية تقیم برنامجاً خاصاً لتأیین الغزالی وجاد الحق» مبنی بر این که دانشگاه جهانی اسلامی «اسلام‌آباد» برنامه خاصی برای مجلس ختم محمد غزالی، دانشمند بزرگ و برجسته معاصر و نیز جادالحق برپا می‌کند، اندوهی به من دست داد؛ چرا که در جلساتی چند با استاد محمد غزالی مانوس بودم و پس از سخنرانی در بیست و دومین کنفرانس اندیشه اسلامی در ۱۳۶۷ ه. ق، اجازه روایت به این جانب اعطا کرد و همواره مشمول عنایت ایشان بودم.

فراموش نمی‌کنم که آن مرحوم از علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی ایران و

«تمام دردها و گرفتاریها و بدبختیهای امتهای اسلامی، زیر سر شما زمامداران کشورهاست که نسبت به رعایای خود دلسوز نیستید.»

باری، در صفحه هفتم هفته‌نامه «العالم الاسلامی» تحت عنوان «الشیخ الغزالی و موت العلماء» به قلم محمد عبدالله، چنین آمده است:

«وقتی خبر درگذشت برادر و دوست خود استاد محمد غزالی را شنیدم، روایتی از عبدالله عمروعاص به ذهنم خطور کرد که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند، خود علم را از مردم نمی‌گیرد؛ بلکه از رهگذر بر گرفتن علما، علم و دانش را از دست آنها می‌گیرد؛ تا آنجا که وقتی عالم و دانشمندی را باقی نمی‌گذارد، مردم رؤسای نادان و بی‌اطلاع را بر می‌گزینند؛ علمایی که مورد پرستش قرار می‌گیرند و در پاسخ، آرایسی را عاری از علم و آگاهی ارائه می‌کنند، و خود به بیراهه افتاده، دیگران را نیز به بیراهه می‌کشاند.»

این یک گزارش نبوی و راستین است که در این روزگاران به ما چهره می‌گشاید، و چنان گشت که ظرف حیات و زندگانی از وجود علما، رو به کاهش نهاد، تا عرصه برای مدعیان علم و جوانانی - که

غرور و خودبینی، بینی آنان را دچار زکام ساخته، آنچنان که جهل، خرد و اندیشه آنها را دچار آسیب نموده است - خالی شود. چنین جوانان خودباخته و فریب‌خورده - بدون اینکه درک و احساس کنند - سخن پیامبر راستین منطبق با حال آنهاست که فرمود: «المتشبع بما لم یُعط کلابس ثوبی زوز»؛ آنکه خود را سیر و برخوردار از چیزی می‌نمایند که بدو اعطا نشده است، همانند کسی است که برای به کرسی نشاندن رأیش دو جامه باطل و بی‌محتوا در بر می‌کند؛ تا خودی بنمایاند؛ در حالی که دستش از آن چیز یعنی علم و دانش، تهی است.

در میان ما تراکم و تورمی از علمای دنباله‌رو دیگران وجود دارد که متون و هوامش و شروح را به خاطر سپرده‌اند و محفوظاتشان را دستاویزی در سایر علوم قرار می‌دهند. لکن در همین روزگاران، نزد ما گروهی از علمای دین وجود دارند که خداوند متعال گستره‌ای گسترده در افق فکری و شجاعت و شهامت در رأی، و ثبات و پایداری بر حق، و رویارویی و مقابله با باطل و صلابت و سرسختی در غیرت دینی، و بی‌اعتنایی به مظاهر زندگانی به آنان موهبت داشته است. استاد غزالی - به حق - یکی از اینان بود و



چنین کاری-هرچند مستلزم هر حادثه ناگواری می‌شد-تن در نمی‌داد. خانواده و بازماندگان نکرومه از این پیشنهاد حاتم‌وار که سیاست آن روز مصر آن را اقتضا می‌کرد طرفی نیستند؛ لذا مجلس ختم در کلیسای «شیرا» منعقد گشت.

\* به اطلاع استاد غزالی رساندند که در یکی از مساجد، اختلاف و درگیری پدید آمد و نزدیک بود به زد و خورد بینجامد. چون میان نمازگزاران نزاعی رخ داد که در پایان اذان شرعی می‌توان صلوات و سلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را افزود و یا هرگونه اضافه، بدعت به شمار است. آن گروهی که چنین اضافه‌ای را مدعی بود و بدان فرا می‌خواندند، غافل از آن بودند که این کار همزمان با حیات آن حضرت و نیز در زمان خلفا و همچنان در سه قرن نخستین - پس از اذان شرعی - معمول نبوده است. استاد غزالی طرفین درگیر را به اجتماع فراخواند و پس از القای خطابه‌ای بلیغ به آنان گفت: من حذف و الغای اذان را در این مسجد بر پدید آمدن اختلاف و درگیری میان شما ترجیح می‌دهم. اذان مستحب است؛ ولی وحدت و همبستگی و اخوت اسلامی، فریضه و واجب می‌باشد.

خدای، غزالی را مشمول رحمت و مهر خویش قرار دهد! او عرصه‌ای را رها کرد

عمرش را به جهاد با بنان و بیان و خامه و قلم و زبان گذراند و قامت راست و استوار شخصیتش خم نگشت و عزم و اراده مصمم او سستی را پذیرا نشد و سرش را زیر شنهای بی تفاوتی نسپرد تا از دست باد و توفان حوادث، جان سالم به در ببرد، و به سخن شاعر عربی تمثیل نجست که می‌گفت: «إذا الريح مالت، مال حيث تميل»؛ فلانی به گونه‌ای است که وقتی باد به سوی می‌وزد، به همان سو می‌گراید.

\* پس از درگذشت «نکرومه» فرمانروای غنا، در حالی که من در انتظار آمدن استاد غزالی در کتابخانه به سر می‌بردم، وزارت خارجه از آن رو که غزالی مدیر مساجد بود، با غزالی تماس گرفت تا مسجد «عمر مکرم» را برای نکرومه آماده سازند؛ چون صلاح دیدند مجلس ختمی در این مسجد برای نکرومه منعقد گردد. اما استاد سید سابق، تلفنی پاسخ داد که استاد غزالی در کتابخانه حضور ندارد. من نیز خدای را سپاس گفتم؛ زیرا اگر استاد غزالی در کتابخانه می‌بود و درخواست وزارت خارجه را رد می‌کرد، توفانی از انتقاد، غزالی را به یورش می‌گرفت. وقتی استاد غزالی به کتابخانه درآمد و از جریان امر اطلاع یافت، دچار هیجان گشت و سوگند یاد کرد که به

عالمی عامل به شمار می‌رفت که با مردم دربارهٔ مسائلی که در شوون حیات خود بدانها نیازمند بودند، به گفتگو می‌نشست و کلمهٔ حق را بر زبان می‌آورد و از سرزنش هیچ ملامتگری به خود هراس و نگرانی راه نمی‌داد.

خوشبختانه علمای بیدار و هشیار جهان اسلام درصدد برآمدند آثار این دانشمند بزرگ و بزرگوار را در کنار کتبی که هم‌اکنون در دست ترجمه است، به زبانهای متعددی برگردان و منتشر سازند.

ذوق، خلق و خوی لطیف و برخوردار متواضعانه و در عین حال متین این عالم دینی و سخنان شیوای او که توفیق استماع آن بارها نصیب این بنده شده بود و اهدای کتابها و آثارش به این جانب با توشیح خود که درخور آن نبودم و نیز اعطای اجازه روایت به این بنده و از همه بالاتر، اصالت روح دینی و غیرت و حمایت بی‌دریغ و فداکارانه این عالم بزرگوار از انقلاب اسلامی همگی خاطره‌هایی است که در مکه با شنیدن خبر درگذشت ایشان در ذهنم تجدید شد و می‌شود؛ خاطره‌هایی فراموش ناشدنی که گزارش آنها سخنی گسترده‌تر را درخواست می‌کند.

که این عرصه را دیروز بدو نیازی فراوان بود. تنها تسلی ما این است که او کتابخانه‌های اسلامی را از رهگذر به جای نهادن آثارش با اندیشه‌های اصیل اسلامی غنی ساخته که باید آن را به منزله مدرسه و مرکز آموزش برای نسل معاصر و آینده برشمرد.

آیا می‌توانیم - نه از سوی وزارت فرهنگ مصر؛ بلکه از ناحیه «الأزهر» - این امید را در سر پیروانیم که کارهای کامل و بدون نقص استاد غزالی را با نرخهای متون درسی مقرر کند تا راه برای فرهیختگان در نگاهبانی از افکار این استاد گرانقدر گشوده شود.

آن گونه که من و همهٔ آگاهان به شخصیت علمی و روحی استاد غزالی آشنایی به هم رساندیم، با از دست‌دان او در جهان اسلام، معانی و حقایق فراوانی از دست ما ربوده شد که او روح تازه‌ای به آنها می‌داد؛ دانشمندی که چشم امید به دُعوات و غنای علمی و فرهنگی و حقوقی‌یی که در عهدهٔ آنها قرار داشت و نیز به اخلاص آنها در عمل دوخته بود، و به کارهایی که از اولیت و اولویت در امر تبلیغ دین برخوردار بود، کارشناسی کارآمد و کم‌نظیر بود، و نمونهٔ کاملی از دانشمند و



مخلصانه‌اش و فداکاری‌اش را در نشر دین و گسترش آن در بسیط عالم، پاداشی عظیم و اجرای جزیل جزای دهد!

هرچند نتوانستیم به بازدید همه‌جانبه مؤسسه «رابطة العالم الإسلامی» توفیق یابیم - چون فرصت مابازدیدوبررسی بخشی از آن بسیار کوتاه می‌نمود - به هر حال اطلاعاتی نسبتاً جالب در مورد فعالیت‌های درون مرزی این مؤسسه نصیب ما گشت و از قرار مسموع فعالیت‌های برون مرزی آن در مورد دعوات و مساجد و مراکز دینی و جز آنها در جهان اسلام و ممالک دیگر، بسی گسترده و حساب شده است که بازده آن، نشر مکتب وهابیت و مآلاً از هم گسیختن مسلمین و اتحاد جهان اسلام می‌باشد.

علاقه‌مند بودیم فرصت مناسبتری را برای کسب اطلاعات بیشتر و دقیقتر به بازدید این مؤسسه اختصاص دهیم که گفتند مؤسسه از روز دوشنبه سوم ذی‌الحجه ۱۴۱۶ ه.ق، تا هفدهم ذی‌الحجه، به خاطر مصادف بودن این ایام با موسم حج، تعطیل می‌باشد.

امید است خداوند متعال همه مسلمین را در راهی ارشاد فرماید که این راه

به خاطر می‌آورم که استاد محمد غزالی، در کنفرانس الجزائر - به منظور حمایت از انقلاب اسلامی - در میان گروه بسیاری از برجستگان علم و دین و سیاست، از جایگاه خویش برخاست و مسافت دور و درازی را پشت سر نهاد و دو مجلد کتاب خود را که موشح به امضای ایشان بود، به این بنده تسلیم نمود و دوباره با چنان سن و سالی به جایگاه خود بازگشت و این امر، خود اشارتی ضمنی بر تأیید جمهوری اسلامی ایران بود، تا آنجا که فرصت سخنرانی این بنده (که باید در ده دقیقه به پایان می‌رسید) بر اثر تشویق حاضران و تأیید هیئت رئیسه، از نیم ساعت فراتر رفت و هنوز هم غلغله‌ای در میان جمع کم‌نظیر این کنفرانس برقرار بود که خطابه‌ام را بیش از آن ادامه دهم و ناگزیر پنج دقیقه بر مدت سخنرانی‌ام افزودم؛ اما چون می‌دانستم سخنرانان دیگر را فرصتی بیش از پنج دقیقه نیست، گفتارم را - در حالی که احساس می‌کردم حاضران تشنه ادامه آن هستند - به پایان بردم.

تشویق و تأیید مرحوم استاد محمد غزالی، در این جریان، خالی از اثر نبود. خدای رحمتش کناد و مساعی نستوهانه و

سیادت و عزت و سعادت را در دنیا و آخرت  
در آغوش گیرند!

به اتحاد و همبستگی آنان بارور گردد و  
همه موانع اتحاد را از میان بردارد تا شاهد

### ● پی‌نوشتها:

۱- فرقان: ۵۳.

۲- الرحمن: ۱۹، ۲۰.

۳- نور: ۴۰.